

«بسم نام خالق آرامش»

نام کتاب: گرامر برادر مقاله (بفردوم)

نام نویسنده: سعید عنایت پور

تعداد صفحات: ۹۱ صفحه

تاریخ انتشار: سال ۱۳۸۳



کافین بکلی

CaffeineBookly.com



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

## نقل قول غیر مستقیم Indirect speech

اگر در سخن یا گفته گوینده ای دخل و تصرف شود نقل قول به طریقه غیر مستقیم انجام شده . معمولاً یک جمله نقل قول مستقیم می شود و می خواهند آن را تبدیل به نقل قول غیر مستقیم که قوانین آن بدین شرح است:

تبدیل یک نقل قول مستقیم خبری به غیر مستقیم .

اگر لازم شود یک جمله مستقیم خبری مثل جمله زیر را به نقل قول غیر مستقیم تبدیل کنیم :

Helen said, "I live in Tehran."

باید قواعد و مراحل زیر را طی کرد.

الف) حذف **comma** و کوتیشن مارک و انتخاب رابط صحیح ( که در نقل خبری **that** خواهد بود ) بدین صورت :

Helen said that ...

ب) تغییر ضمائر و صفات ملکی به تناسب :

Helen said that she ...

ج) اجرای تطابق زمان به شرطی که فعل گزارش گر گذشته باشد بدین صورت :

Helen said that she lived in Tehran.

د) تغییر بعضی از اصطلاحات زمان و مکان و صفات اشاره و بعضی از فعلها به شرطی که فعل گزارشگر گذشته باشد.

توضیح : در مورد اجرای تطابق زمان در نقل قول غیر مستقیم 12 زمان انگلیسی به صورتهای زیر به کار می روند:

1) زمان حال ساده تبدیل به گذشته ساده می شود. مثلاً:

Helen said to bob, "I **know** your father".

Helen told Bob that she **knew** his father.

2) زمان حال استمراری تبدیل به گذشته استمراری می شود. مثلاً:

My father said to me, "I **am listening** to you."

My father told me that he **was listening** to me.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

3) زمان حال کامل تبدیل به گذشته کامل می شود. مثلاً:

The boy said to the girl, "I **haven't seen** your book."

The boy told the girl that he **hadn't seen** her book.

4) زمان حال کامل استمراری تبدیل به گذشته کامل استمراری. مثلاً:

My friend said, "I **have been living** here for ten years."

My friend said that he **had been living** here for ten years.

5) زمان آینده ساده تبدیل به گذشته ساده می شود. مثلاً:

The man said to the woman, "I **will see** you."

The man told the woman that he **would see** her.

6) زمان آینده استمراری تبدیل به گذشته استمراری می شود. مثلاً:

Ahmad said, "I **will be working** on Friday."

Ahmad said that he **would be working** on Friday morning.

7) زمان آینده کامل تبدیل به گذشته کامل می شود. مثلاً:

Bob said, "I **will have finished** the book on April."

Bob said that he **would have finished** the book on April.

8) زمان آینده کامل استمراری تبدیل به گذشته کامل استمراری می شود. مثلاً:

Bob said, "I **will have been studying** for two years by April."

Bob said that he **would have been studying** for two years by April.

9) زمان گذشته ساده تبدیل به زمان گذشته کامل می شود. مثلاً:

My father said to me, "I **saw** your umbrella."

My father told me that he **had seen** my umbrella.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

یاد آوری: می توان در نقل قول غیر مستقیم زمان گذشته ساده را به همان صورت گذشته نگه داشت و تبدیل به گذشته کامل نکرد. مثلاً:

My father told me that he **saw** my umbrella.

(10) زمان گذشته استمراری تبدیل به گذشته کامل استمراری می شود. مثلاً:

Bob said, "I **was listening** to the music."

Bob said that he **had been listening** to music.

نکته: دو زمان گذشته کامل و گذشته کامل استمراری در نقل قول غیر مستقیم تغییر نمی کند و به همان صورت باقی می ماند. مثلاً:

The woman said, "I **had left** home."

The woman said that she **had left** home.

Bob said, "I **had been playing** for two hours."

Bob said that he **had been playing** for two hours.

### فعل گزارشگر در نقل قول خبری

در صورتی که در قسمت فعل گزارشگر ( reporting tag ) مفعول وجود داشته باشد ، در نقل قول مستقیم می توان به دلخواه از **say to** یا **tell** استفاده کرد. مثلاً:

Helen **said to/told** Bob, "I know your father."

اما در نقل قول غیر مستقیم خبری **say to** بکار نمی رود بلکه از **tell** استفاده می شود. مثلاً:

Helen **told** Bob that she knew his father



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

## « تبدیل یک نقل قول مستقیم سئوالی به غیر مستقیم »

برای تبدیل یک نقل قول مستقیم سئوالی مانند جمله زیر به غیر مستقیم:

Helen said to me, "where do you live?"

مراحل ذکر شده (ابجد) را طی می کنیم با این تفاوت که کلمه ربط در چنین جملاتی خود کلمات wh هستند

بدین صورت :

Helen asked me **where** I lived.



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را ابتدا ترجمه کنید بعد آنها را به نقل قول مستقیم تبدیل کنید .

- 1- فروشنده به مشتری گفت که چند کیلو چای می خواهد .
- 2- مرد از همسرش پرسید که کلاهش را کجا دیده است.
- 3- معلم به محصل ها گفت که پنجشنبه درس 2 را از آنها خواهد پرسید.
- 4- آقای براون به من گفت که ممکن است در آن جلسه شرکت کند.
- 5- سوزان به دوستانش گفت که آن فیلم را دوست ندارد.
- 6- آنها از ما پرسیدند که در کدام خانه زندگی می کنیم .
- 7- شاگرد از معلمش پرسید که چه ساعتی باید در کلاس باشد .
- 8- مدیر به منشی گفت که نمی تواند ساعت 5 به او تلفن بزند .
- 9- ما از همسایه مان پرسیدیم که در را چگونه باز کرده است .
- 10- بچه ها به من گفتند که آن شیشه را نشکسته اند .



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

طریقه تبدیل نقل قول مستقیم سئوالی که با کلمه پرسشی شروع نشده به غیر مستقیم:  
طریقه تبدیل یک نقل قول مستقیم سئوالی مثل جمله زیر به صورت غیر مستقیم.

Helen said to Bob, "do you live in Tehran?"

مراحل ذکر شده ابجد را طی می کنیم با این تفاوت که کلمه ربط در چنین جمله هایی if و whether هر دو به معنی (که آیا) است مثلاً:

Helen **asked** Bob if he lived in Tehran.

فعل ناقل یا گزارشگر نیز در چنین جمله هایی به علت سئوالی بودن جمله ask می شود همچنین باید دانست که بعد از if و whether جمله به صورت سئوالی به کار نمی رود بلکه خبری است.

تبدیل نقل قول مستقیم امری به غیر مستقیم:

برای تبدیل یک نقل قول مستقیم امری مانند جمله زیر به شکل غیر مستقیم:

Helen said to Bob, "**open** the door."

مراحل ذکر شده قبل را طی می کنیم با این تفاوت که در چنین نقل قولهایی کلمه رابط (to) و در صورتی که فعل امر منفی باشد (not to) خواهد بود مثلاً:

Helen told Bob **to open** the door.

Helen said to Bob, "**don't open** the door."

Helen told Bob **not to open** the door.

در صورتیکه در نقل قول مستقیم علاوه بر فعل امر یک جمله یا دو جمله یا چند جمله دیگر نیز پیروی کرده باشند مثلاً:

Helen said to Bob, "**open** the door before you come in."

در این حالت در جمله غیر مستقیم فقط فعل امر با to ربط پیدا می کند و جمله های پیرو مشمول تطابق زمان می شود بدین صورت:

Helen told Bob **to open** the door before he comes in.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



### تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

1- من قصد داشتم بدهم موتور ماشینم بازدید شود اما وقت کافی پیدا نکردم.

2- او گفت که می خواهد بدهد خانه اش تزئین شود.

3- بده کفشهایت برق انداخته شود و موهایت کوتاه شود.

4- او باید قبل از عروسی بدهد کت و شلوارش اطو شود.

5- ما مجبور خواهیم بود که بدهیم ماشینهایمان را رنگ بزنند.

جملات زیر را ابتدا ترجمه کنید و بعد به نقل قول مستقیم تبدیل کنید.

1- قاضی از مرد پرسید که آن تصادف را در چه ساعتی دیده است.

2- پلیس به دزد گفت که دستهایش را بالا ببرد و رو به دیوار بایستد.

3- فرمانده به سربازها دستور داد که بعد از اینکه به رودخانه رسیدند چادرها را برپا کنند.

4- ما به دوستانمان گفتیم که در خیابان شلوغ فوتبال بازی نکنند.

5- معلم از شاگردها پرسید که آیا همه تکالیف را انجام داده اند؟

### تغییر اصطلاحات زمان و مکان در نقل قول غیر مستقیم :

به شرط اینکه زمان و مکان گزارش دهنده با زمان و مکان گوینده قول مستقیم تغییر کرده باشد بعضی از

اصطلاحات زمان و مکان و صفات اشاره به صورت زیر تغییر می کند.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

next + قيد زمان → {  
The following + قيد زمان  
The next + قيد زمان  
The + قيد زمان + after

last + قيد زمان → {  
The + قيد زمان + before  
The + previous + قيد زمان

today → that day  
tonight → that night  
now → then  
here → there  
come → go  
this → that

Helen said to Bob, "I **will meet** you **next week**."

Helen told Bob that she **would meet** him **the next week**.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



## طریقه تبدیل نقل قول مستقیم تعجبی به غیر مستقیم :

قبل از اینکه در مورد نقل قول چنین جملاتی بحث شود لازم است ابتدا یاد بگیریم که جملات تعجبی چگونه بیان می شوند. جمله تعجبی یا برای تعجب از اسم به کار می رود که الگوی آن بدین صورت است:

What a nice car it is!

**! فعل + ضمیر / اسم + اسم + صفت + what + a/an**

و یا برای تعجب از فعل و انجام کاری بیان می شود که الگوی آن بدین شکل است :

**! فعل + ضمیر / اسم + قید + how**

How slowly she drives!

برای تبدیل یک نقل قول مستقیم تعجبی مثل این جمله

Helen said, "how slowly the man works!"

مراحل ذکر شده ایجاد را طی می کنیم با این تفاوت که کلمه ربط در چنین جملاتی با what و یا how خواهد بود

Helen exclaimed how slowly the man worked.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

## اسم مصدر ( gerund )

اسم مصدر در انگلیسی اسمی است که از فعل مشتق شده است و ساختمان آن بدین صورت است که به آخر هر فعل ing اضافه شود به اسم مصدر تبدیل می شود.

زندگی کردن	live → living	زنده
بودن	be → being	بود، هستی، وجود

کاربردهای اسم مصدر در انگلیسی عبارتند از :

1- هر گاه لازم شود بعد از حرف اضافه فعل به کار رود باید اسم مصدر باشد نه مصدر با to . دلیل آن نیز این است که حرف اضافه همیشه قبل از اسم است مثلاً :

After locking the door, I left home.

She is afraid of telling lies.

2- هر گاه لازم شود جمله ای با مصدر شروع شود چون نمی توان مصدر با to را به عنوان فاعل جمله به کار برد آنرا تبدیل به اسم مصدر می کنیم:

~~To swim~~ here is enjoyable.

**Swimming** here is enjoyable.

3- بعد از افعال مشخص در انگلیسی اگر فعل به کار رود باید تبدیل به اسم مصدر شود:

avoid	اجتناب کردن	defer	به تعویق انداختن - لغو کردن
appreciate	تحسین کردن	delay	به تأخیر انداختن
admit	پذیرفتن	advise	نصیحت کردن
discuss	بحث کردن	detest	تنفر داشتن
consider	بررسی کردن	enjoy	لذت بردن
can't help	چاره نداشتن	finish	تمام کردن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

deny	انکار کردن	forgive	عفو کردن
forbid	قدغن کردن	include	شامل شدن
imagine	تصور کردن	keep	ادامه دادن
mention	یادآوری کردن	oppose	مخالفت کردن
mind	اهمیت دادن	quit	ترک کردن
postpone	لغو کردن	risk	به خطر انداختن
practice	تمرین کردن	remember	به خاطر سپردن
resume	از سر گرفتن	stop	دست کشیدن
suggest	پیشنهاد کردن	tolerate	تحمل کردن
		understand	فهمیدن

I enjoy reading the newspaper.

نکته مهم: چون اسم مصدر جنبه اسم دارد پس می تواند بعد از صفت ملکی یا حتی (s) به کار رود مثلاً:

I appreciate her speaking.

I appreciate Helen's speaking.



تمرین جملات فارسی:

جملات زیر را ترجمه نموده و بعد آنها را به مجهول تبدیل کنید:

- 1- فکر می کنم آن بچه آن در را شکسته است.
- 2- مدیر دیروز آقای براون را از این اداره منتقل کرد.
- 3- او کیفش را پشت در گذاشته بود.
- 4- دکتر دارد چشم بچه را معالجه می کند.
- 5- قصد دارم بدهم یک در چوبی تجار برای این اطاق درست کند.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



تمرین جملات فارسی :

- جملات زیر را ترجمه کنید و آنها را به نقل قول مستقیم تبدیل کنید.
- 1- فروشنده از مشتری پرسید که کدام پیراهن را دوست دارد انتخاب کند.
  - 2- معلم از شاگردان پرسید که چرا آن دیالوگ را حفظ نکرده اند.
  - 3- مرد از آن بچه پرسید که آیا آن آدرس را می داند.
  - 4- او به دوستش گفت ممکن است روز جمعه به باشگاه برود.
  - 5- آقای براون به همسرش گفت که برای نهار تاس کباب درست کند.

باید دانست که : چون بعد از این فعلها اسم مصدر به کار می رود گاهی لازم می شود قبل از آن اسم یک صفت ملکی و یا یک اسم دیگر با (s) به کار می رود.

**I appreciate her working.**  
**I appreciate Helen's working.**



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

فعلهایی که می توان بعد از آنها اسم مصدر به کار برد و هم مصدر با **to**:

تعدادی از افعال انگلیسی مثل **prefer** و **start** و **plan** می توانند هم با اسم مصدر به کار روند هم با مصدر با **to** که در معنی اشان تغییری پیدا نمی شود. مثال:

Helen **prefers to go**.

Helen **prefers going**.

اما دو فعل **stop** , **remember** نسبت به شکل فعلی که بعدشان به کار میرود معانیشان فرق می کند به این صورت:

الف) اگر بعد از **stop** اسم مصدر به کار رود معنی جمله اینست که فاعل از کار بعد از **stop** دست کشیده یا می کشد یا خواهد کشید. مثلاً:

من از صحبت کردن با مرد دست می کشم.

I stop speaking to the man.

اما اگر بعد از **stop** مصدر با **to** به کار رود معنی جمله این است که فاعل از کار قبل دست برداشته یا بر می دارد، یا خواهد برداشت تا کار بعد از **stop** را شروع کند.

من ایستادم تا با مرد صحبت کنم .

I stopped to speak to the man.

ب) اگر بعد از **remember** اسم مصدر به کار رود معنی جمله این است که فاعل کار بعد از **remember** را به صورت تصویری از گذشته در وجود به ظاهر می آورد.

هلن بستن در را به یاد می آورد.

Helen remembers locking the door.

اما اگر بعد از **remember** مصدر با **to** به کار رود معنی جمله این است که فاعل یادش می ماند که کار بعد از **remember** را انجام دهد و آن را فراموش نمی کند. در واقع این **remember** مترادف با ( **not forget** ) است

مثلاً:

هلن یادش می ماند که در را قفل کند .

Helen remembers to lock the door.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

بحث دیگر :

اگر در این حالت در دو جمله متوالی فاعل واحدی دو فعل را همزمان انجام نداده باشند بلکه بین فعل جمله اول و فعل جمله دوم یک فاصله زمانی وجود داشته باشد مثلاً: she parked the car. She went shopping.

در این حالت برای پیوند دو جمله فعل جمله اول را تبدیل به صفت فاعلی کامل می کنیم . (Present perfect) که ساختمان آن بدین شکل است:

**Have + ing + p.p**

مثال:

( after ) having parked the car, she went shopping.

پایان



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

## زمان حال استمراری

زمان حال استمراری : کاری که در زمان حال به صورت استمرار انجام می شود.

طرز ساخت : در زبان فارسی اگر به حاضر ساده علامت دارم-داری- دارد-داریم-دارید-دارند و یا علامت

«در حال» اضافه کنیم حاضر استمراری به دست می آید در انگلیسی اگر بیاییم به حاضر ساده علامت **be +ing**

اضافه کنیم به ما حال استمراری می دهد.

**subject + to be + verb + ing**

حال استمراری

تذکر مهم : **be** عبارتند از **are, is, am** که بین فاعل و فعل اصلی می آید و **ing** بلافاصله بعد از فعل اصلی

می آید .

تغییرات در زمان حال استمراری : به وسیله **am , is , are** انجام می شود.

نشانه های حال استمراری :

الف: وجود **are, is, am** بین فاعل و فعل اصلی

ب: وجود **ing** در آخر فعل اصلی

ج: وجود قیود زمان در آخر جمله از قبیل

now	حالا
at present	حال- در حال حاضر
for the time being	در این لحظه- فعلاً
at the moment	در این لحظه
This morning	



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

This year

This week

د: وجود افعال امری هشدار دهنده مثل:

look	نگاه کن	hush up!	ساکت باش
listen	گوش کن	stop	بایست
be careful	با دقت باش	keep	مواظب باش

Listen! Someone's knocking the door

گوش کن - یک نفر داره در می زنه!

Look! Someone is coming.

Be careful he is eavesdropping.

مراقب باش داره استراق سمع میکنه!

چند تذکر مهم :

1- افعالی مانند like-know-understand-want-ing نمی گیرند.

2- افعالی که به y ختم می شوند در موقع ing گرفتن y حذف نمی شود و ing به آخرش می چسبند.

Play → playing

Study → studying

Carry → carrying

3- افعالی که به e ختم می شوند در موقع ing گرفتن e حذف می شود و به جای آن ing می نشیند به جز فعل

be که e آن حذف نمی شود.

Come → coming

Take → taking

Have → having



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



Be → being

4- افعالیکه یک بخشی هستند و به حرف بی صدا ختم می شوند اگر قبل از حرف بی صدا فقط یک حرف صدا دار داشته باشند (a,e,i,o,u) در موقع ing گرفتن حرف آخر تکرار سپس به آن ing اضافه می شود.

Sit → sitting

Put → putting

Read → reading

5- افعالیکه به ie ختم می شوند در موقع ing گرفتن ie تبدیل به y می شود سپس به آن ing اضافه می شود.

tie → tying بستن

die → dying مردن

lie → lying لم دادن - دراز کشیدن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

## زمان گذشته ساده

تعریف: کاری است که در گذشته انجام گرفته و تمام شده.

طرز ساخت: اگر به حال ساده ed یا ied اضافه کنیم گذشته ساده به دست می آید.

افعال در گذشته دو دسته اند:

افعال:

1- بی قاعده: (شکل عوض می شود): see → saw

2- با قاعده: ( ed-ied ) work → worked

do → did

am , is → was

are → were

have → had

go → went

come → came

see → saw

تغییرات در گذشته: به عهده فعل کمکی did می باشد.

تذکر بسیار مهم: وقتی که did یا didn't می آید ed یا ied حذف و اگر فعل بی قاعده باشد به حالت اول

خود بر می گردد.

نشانه های گذشته ساده:



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

1- وجود ed یا ied و تغییر شکل فعل در افعال بی قاعده.

2- وجود قیود زمان مانند:

last day و yesterday → که در آخر جمله می آیند

the other day → چند روز قبل

two days ago → دو روز قبل

in + تاریخ → برای تاریخ گذشته به کار می رود (in 1920)

تذکر مهم : اگر در یک جمله دو فعل داشته باشیم فقط فعل اولی به گذشته تبدیل می شود.

تذکر : افعالی که به y ختم می شوند اگر قبل از y حروف صدادار داشته باشند برای تبدیل به گذشته فقط ed می گیرند.

play → played

stay → stayed

\*say → said

\*pay → paid

و افعالی که به y ختم می شوند اگر قبل از y حروف صدادار نداشته باشند برای تبدیل به گذشته y را برمی داریم و تبدیل به i می کنیم سپس ed اضافه می کنیم که ied می شود.

carry → carried

study → studied

try → tried



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- آنها کمک کردند به ما در کلاس ساعت 2 دیروز
- 2- ما دیدیم شما را در پارک ساعت 5 هفته گذشته
- 3- ما میخواستیم برویم مدرسه چند روز پیش
- 4- ما دوست داشتیم مؤدب باشیم در کلاس در سال 1367
- 5- ما خسته بودیم دیروز
- 6- پسر پارسال تنبل بود

پاسخ:

- 1-They helped us in the class at 2 o'clock yesterday.
- 2-We saw you in the park at 5 o'clock last week.
- 3- We wanted to go to school the other day.
- 4-We liked to be polite in the class in 1367 year.
- 5- We were tired yesterday.
- 6- The boy was lazy last year.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

زنگ تفریح:

## To Do

You did.                      Did you do?  
فعل اصلی فاعل                      اصلی کمکی

He does.                      Does he do?  
Did he do?                      Yes he did.

You had to go.                      1- تو مجبور بودی بروی.

Did you have to go?                      سؤالی

You didn't have to go                      منفی

2- او مجبور است برود.

He has to go.  
Does he have to go?                      سؤالی

3- او مجبور بود درس بدهد.

He had to teach.  
Did he have to teach?

4- پدرم دیروز اینجا بود .

My father was here yesterday.

5- والدینشان مهربان بودند پارسال.

Their parents were kind last year.

6- من پارسال معلم بودم.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

I was teacher last year.

7- آنها داشتند درس می خواندند وقتی که پدرم آمد

They were studying when my father came in.

8- برادرم داشت پیانو می زد وقتی که معلمش در زد

My brother was playing the piano when his teacher rang.

9- والدینشان داشتند اخبار تماشا می کردند وقتی که باران آمد.

Their parents **were watching** the news when it was **raining**.

تذکر: هر گاه در جمله **when** داشته باشیم و دو عمل همزمان و با هم صورت گرفته بود هر دو جمله گذشته

استمراری می شوند.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

## امری کردن فعل :

در زبان انگلیسی اگر ما بیایم (to) ی مصدری را برداریم و یا اگر بیایم you را برداریم فعلی که باقی می ماند امری است . برای احترام بیشتر ما می توانیم از کلماتی مثل کلمات زیر استفاده می کنیم:

please →	لطفاً
will you ( please) →	اگر امکان دارد ( لطفاً)
would you →	اگر زحمتی همیشه
could you →	اگر اشکالی نداره

## تست کنکوری :

would you mind + فعل ing دار

do you mind + فعل ing دار

اگر جمله ما منفی بود و دارای you بود you را حذف کنیم فعل امر منفی به دست می آید .

- این قانون در مصدر to be بدین صورت است وقتی که you را بر می داریم aren't تبدیل به don't be می شود برای تأکید بیشتر در امر منفی یک again در آخر جمله به کار می رود .

you don't go ( امر منفی ) → don't go again ( تأکید بیشتر )

you aren't ( امر منفی ) → don't be again ( دیگر نباشی ها )

don't (you) ever go (again). ( دیگر هرگز نری ها )



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



### تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- لطفاً اینجا درس بخوان هر روز .
- 2- لطفاً یک نامه بنویس .
- 3- اگر زحمتی همیشه انگلیسی صحبت کن .
- 4- اگر امکان برای شما دارد به معلم گوش بدهید .
- 5- لطفاً اینجا مؤدب باش .
- 6- لطفاً خوشحال باش .
- 7- اینجا دیگه فوتبال بازی نکن .
- 8- دیگه در رو باز نکن .
- 9- دیگه رو تخته ننویس .
- 10- دیگه تنبل نباش .
- 11- دیگه بد اخلاق نباش .
- 12- دیگه بی ادب نباش .

پاسخ:

- 1-Please study here every day.
- 2-Please write a letter.
- 3-Would you please speak English.
- 4-Would you mind listening to the teacher.
- 5-Please be polite here.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



6-Please be happy.

7-Don't play football here again.

8-Don't open the door again.

9-Don't write on the black board again.

10-Don't be lazy again.

11-Don't be bad temper again.

12-Don't be rude again.

### مرور:

1- من هر روز اینجا کار می کنم .

I work here every day.

I am working here now.

حاضر استمراری

I worked here yesterday.

گذشته ساده

I was working here yesterday.

گذشته استمراری

Work here every day.

امری

2- پدرم فردا ماشین می خرد.

My father will buy a car tomorrow.

3- سال آینده قبول می شوم.

I will pass in the next year.

4- آنها تا سه هفته دیگه اینجا خواهند بود.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

They will be here in three weeks.

5- ما بزودی پیروز می شویم.

We will win soon.

6- شما دیر یا زود زرتنگ خواهید شد.

You will be clever sooner or later.

7- علی بعداً درس می خواند.

Ali will study later.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

## زمان آینده ساده: Simple future tense

زمان آینده: کاری است که در زمان آینده انجام خواهد شد.

طرز ساخت: بقیه جمله + فعل اصلی + **will / shall** + فاعل

برای اول شخص مفرد و اول شخص جمع بیشتر به جای (will) می توانیم از shall هم استفاده کنیم.

نشانه های زمان آینده ساده:

الف) وجود فعل کمکی will و یا shall بین فاعل و فعل اصلی

ب) وجود قیود زمان مثل فردا (tomorrow)

قیود زمان:

tomorrow فردا

soon به زودی

sooner or later دیر یا زود

three weeks تا سه هفته دیگر

next + زمان در آینده

in+ زمان ( a week/ a year/ a month ) تا یک هفته، یک سال، یک ماه دیگر

تغییرات در زمان آینده: به عمد فعل کمکی will یا shall می باشد که با not منفی می شوند و به شکل

won't یا shan't در می آیند.

تذکر بسیار مهم: با کلمات زیر will یا shall به کار نمی رود.

if → اگر unless → مگر



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

when →	وقتیکه	as long as →	مادامیکه
while →	وقتیکه	suppose →	به فرض اینکه
before →	قبل از	as soon as →	بمحض اینکه
after →	بعد از	to pass →	قبول شدن
till →	تا		
until →	تا		

فرمولهای طرز ساخت :

**زمان حال + before + آینده ( I )**

**آینده و حال + before ( II )**

You **will pass** if you study.

If you study you **will pass**.

I **will call** you as soon as I get home.

As soon as I get home , I **will call** you.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

## ربط دو جمله

در زبان فارسی اگر بخواهیم دو جمله را به هم ربط بدهیم با (که) ربط می دهیم اما اگر در انگلیسی بخواهیم دو جمله را به هم ربط بدهیم به جای که از **that** استفاده می کنیم.

قانون (1) مفعول + فعل + فاعل + **that** + مفعول + فعل + فاعل

1. 2. 3 that 1. 2. 3

I know that you come.

می دونم که تو می آیی

قانون (2): اگر فاعل جمله دوم با فاعل و یا مفعول جمله اول برابر یا هم خانواده باشد در این صورت مجموعه فاعل و **that** جمله دوم حذف و به جای آن **to** می نشیند.

1. 2. 3 **that** 1. 2. 3 → 1. 2. 3 **to** 2. 3

I want you **that you** go → I want you **to** go

قانون (3): اگر جمله دوم ما منفی بود و فاعلش با فاعل و یا مفعول جمله اول هم خانواده بود یا برابر بود در این صورت مجموعه **that** و فاعل را و فعل کمکی منفی را برمی داریم و به جای آن **not to** می گذاریم.

I want you **that you don't** go.

I want you **not to** go.

تذکر: مصدر همیشه با **not** منفی می شود .

(to go → not to go)

(to be **or** not to be)

Not to go (نرفتن)

Not to come



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

not to write

قانون (4): اگر جمله اول دارای یکی از افعال زیر باشد بعد از اینکه **that** و فاعل را حذف می کنیم **to** را هم حذف می کنیم .

let اجازه دادن

I let you **that you** go. → I let you **to** go → I let you go.

make وادار کردن

I make you **that you** be. → I make you **to** be → I make you be.

see دیدن

help کمک کردن                      It helps ~~to~~ prevent

hear شنیدن

watch تماشا کردن

observe مشاهده کردن

feel احساس کردن

have داشتن

know شناختن

notice توجه کردن

قانون (5): اگر جمله اول ما دارای فعل حسی باشد در این صورت بعد از حذف مجموعه **that** و فعل هم خانواده فعل به صورت **ing** دار در می آید.

I see you **that you** go. → I see you **going** یا **go**.

I saw you **that you** go. → I saw you **going** یا **go**.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- من از تو می خواهم که اینجا فوتبال بازی نکنی.
- 2- من خوشحال هستم که تو تنبل هستی.
- 3- آنها دوست دارند که انگلیسی صحبت کنند.
- 4- به تو اجازه می دهم که بخندی اینجا هر روز.
- 5- من تو را دیدم که داشتی درس می خواندی.
- 6- من تو رو می بینم که داری به معلم گوش می دهی.

1. want you not to play football here.
2. I am happy that you are lazy.
3. They like to speak English.
4. I let you laugh here every day.
5. I saw you studying.
6. I see you listening to the teacher.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

## دو کلمه tell & say

اگر گفتن به تنهایی بیاید و یا بعد از گفتن مفعول شخصی نیاید (گفتن) ترجمه می شود به say و گذشته آن said است.

اگر گفتن با حرف ( به ) همراه باشد و یا بعد از گفتن مفعول شخصی به کار رود (گفتن) ترجمه می شود به tell که گذشته آن told می باشد.

اگر گفتن با (را) همراه باشد (گفتن) ترجمه می شود به mean و گذشته آن meant است.

I mean you → ترا می گویم / منظورم تو هستی

تذکر بسیار مهم : می توانیم به جای tell از کلمه say to استفاده کنیم چون در موارد زیر حتماً tell به کار می رود.

to tell a lie →	دروغ گفتن
to tell a story /tale	داستان گفتن
to tell a fact →	حقیقت گفتن
to tell a joke →	جک گفتن
to tell the time →	ساعت گفتن
to tell one's name →	نام یکی را گفتن
to tell the fortune →	فال گرفتن
to tell the difference →	تفاوت چیزی را گفتن
to tell the news →	اخبار گفتن
to tell the secret →	رمز و سر را گفتن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly





3- در انگلیسی وقتی که از ما سوال می شود ما دو نوع جواب می دهیم که یک جواب کوتاه و یک جواب بلند است همیشه در انگلیسی جواب کوتاه به وسیله افعال کمکی انجام می گیرد .

Do you often go there?

بله من اغلب می روم - من اغلب می روم به آنجا .

Yes I often do. - I often go there.

4- اگر جمله ما به وسیله افعال کمکی مورد تأکید قرار گیرد قیود تکرار قبل از افعال کمکی می آیند.

( این قانون را با قانون 2 اشتباه نکنید.) فعل کمکی که برای تأکید استفاده می شود do می باشد.)

I always do go.

I never did go.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

## حرف تعریف

در زبان فارسی اگر بخواهیم اسمی را وارد جمله کنیم ممکن است به آن علامتی اضافه نکنیم .

آب ← آب می خواهم یا پول ← پول دارم

اما اگر در انگلیسی بخواهیم اسمی را وارد جمله کنیم به آن علائمی اضافه می کنیم که حروف تعریف گویند،

مهمترین حروف تعریف عبارتند از :

The که با اسمهای جمع و مفرد قابل شمارش می آید و (را- که - کسره) معنی می دهد و همچنین:

{	a-an	مفرد - قابل شمارش
	some	جمع - قابل شمارش
	any	در موقع سوالی - منفی و سوالی به کار می رود

She has a pen.

She has some pens

Dose she have any pen?

Doesn't she have any pen?

a , an دارای سه تبصره است :

1- اگر **u** با صدای کشیده خوانده شود ( یو) حرف تعریف (a) می گیرد و اگر (u) با صدای کوتاه (آ) خوانده

شود حرف تعریف (an) می گیرد.

**(a) → یو → u ← آ ← (an)**

a university      یک دانشگاه



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

a used car      یک ماشین کهنه

an umbrella      یک چتر

an uncle      یک عمو

2- اسامی که با (one) شروع می شوند (a) می گیرند:

A one story building.

A one eyed man.

A one celled animal.

3- اگر در اسم صدای (h) تلفظ شود حرف تعریف (a) می گیرد و اگر صدای (h) تلفظ نشود an می گیرد.

an hour      یک ساعت (زمانی)

an honest man      یک مرد درستکار

an honor man      یک مرد پر افتخار

a hand      یک دست

a hen      یک مرغ

a hat      یک کلاه

تذکر (1): حرف تعریف the با رشته کوهها - دریاها - رودخانه ها - جنگلها - خلیجها - صحراها می آید .

تذکر (2): با هر چیزی که در دنیا فقط یک عدد باشد حرف تعریف the می آید .

The god, The sun, The earth, The moon, The sky

• با جهت های جغرافیایی حرف تعریف The به کار می رود :

The north      شمال

The south      جنوب



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

The east	شرق
The west	غرب
The north pole	قطب شمال
The south pole	قطب جنوب

- با کتابهای مذهبی حرف تعریف The به کار می رود .

The bible          انجیل

The koran          قرآن

The torah          تورات

تذکر مهم : بعد از کلمه made of هیچ گاه حرف تعریف نمی آید.

Butter is **made of the** milk.

- بعد از (s) حرف تعریف The نمی آید.

- بعد از اسامی شهر ها و استانها و همچنین کشور ها The به کار نمی رود.

- اگر کشورها به صورت ایالتی باشد حتماً The می گیرد .

The United States of America          ایالات متحده آمریکا

The Soviet Union          اتحادیه جماهیر شوروی

The Nether land          هلند



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

## ضمایر ملکی

ضمایری هستند که همراه با اسم نمی آیند بلکه به جای صفت ملکی و اسم بعد از آن می نشینند و عبارتند از :

مفرد	جمع
mine مال من	ours مال ما
yours مال شما	yours مال شما
his مال او (مذکر)	theirs مال آنها
hers مال او (مؤنث)	
its مال آن (شیء)	

It is my book → it is mine book.

ضمیر ملکی      اسم      صفت ملکی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

## حالت اضافی و یا مالکیت دو اسم :

حالت اضافه دو اسم در فارسی با قرار دادن کسره بین دو اسم انجام می شود ولی در انگلیسی ابتدا به اسم دوم

نگاه می کنیم اگر اسم دوم غیر شخص باشد از راست به چپ ترجمه می شود و کسره ترجمه می شود به (Of)

the door **of** the class ← در کلاس

the legs **of** the table ← پایه های میز

- اگر اسم دوم ما شخص باشد در این صورت از چپ به راست ترجمه می کنیم و کسره ترجمه می شود به ('s)

Ali'**s** mother ← مادر علی

Ali'**s** book ← کتاب علی

- اگر اسم دوم ما جمع باشد به وسیله s یا es یا ies در این صورت از ('s) فقط (s) را می نویسیم و (s) را به کار نمی بریم .

the students'**s** parents ← والدین دانش آموزان

- اگر اسم دوم ما به صورت جمع بی قاعده باشد در این صورت ('s) لازم است .

the children'**s** parents ← والدین بچه ها

- اگر اسم دوم ما قید زمان باشد در این صورت ('s) لازم است.

today'**s** news ← اخبار امروز

tomorrow'**s** news ← اخبار فردا



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly





4- **through** : یعنی از میان و یا از وسط و بین .

این رودخانه از وسط این روستا می گذرد.

The river passes **through** this village.

من میتونم بینم از وسط شیشه.

I can see **through** the glass.

از میان لوله نگاه نکن.

Don't look **through** the pipe.

آب می گذرد از میان لوله.

The water passes **through** the pipe.

5- **than** : از برتری و مقایسه است و یا تفضیلی در انگلیسی بعد از علامت > در صفات یک بخشی و بعد

از more در صفات چند بخشی به کار می رود .

old → elder → eldest ( پیر، پیرتر، پیرترین )

old → older → oldest

beautiful → more beautiful → the most beautiful (قشنگ، قشنگ تر، قشنگ ترین)

My brother is older **than** me.

6- **since** : چون که - زیرا که - از آنجایی که - به این دلیل که .

**Since** you are my friend I want to help you.

از آنجایی که تو دوست من هستی من می خواهم به تو کمک کنم .

**Since** he is a good worker, I want to employ him.

از آنجایی که او کارگر خوبی است من می خواهم او را استخدام کنم .

7- **how** : به معنی از کجا- چطوری به صورت استفهامی در اول جمله به کار می رود .

**How** do you know my name?



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

**How** do you know my address?

**How** do you know my telephone number?

to buy → at -8 از جایی خریدن .

to buy → from از کسی خریدن .

I bought the book from Ali.

I bought the book from my father.

I bought the book from my teacher.

I bought the bread at the baker's.

I buy the meat at the butcher's



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

## Future Continuous Tense

## « زمان آینده استمراری »

برای ساختن این زمان در انگلیسی کافی است که به جملات حال استمراری **shall** و یا **will** اضافه کنیم بنابراین فرمول زیر را خواهیم داشت.

### Subject + shall /will + be + V.ing

I shall be working

I will be working

He/she/it will be working

You will be working

We shall be working

We will be working

They will be working

تغییرات : در این زمان به عهده دو فعل کمکی **shall** و **will** می باشد.

در ضمن این دو فقط با **I, We** بکار می روند.

I shan't be studying. you won't be going swimming.

Shall I be seeing you tomorrow?

Will you be coming here tomorrow?

Shan't I be working all day?

Won't they be watching TV tonight ?

کاربرد این زمان: در دو مورد زیر به کار می رود:

الف- دلالت بر انجام عملی می نماید که در زمان آینده در لحظه معینی در حال انجام می باشد مثل :

فردا صبح نشستیم در کلاس و داریم درس می خوانیم.

We will be sitting in the class and studying tomorrow morning.

ب- اگر اطمینان به انجام عمل به آینده داشته باشیم از این زمان استفاده می کنیم مثل :

I will be seeing you tomorrow

فردا می بینمت.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

We will be having a test next week

هفته دیگر امتحان داریم.

نشانه های این زمان :

{ all + قید زمان → all day tomorrow  
This time next session → قید زمان آینده + لحظه معین

At 7 o'clock next session

At 9 o'clock tomorrow/ tonight



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- من اطمینان داشتم که آن کتاب متعلق به شما نیست.
- 2- من باید هر چه که او گفت انجام می دادم.
- 3- او گفت که نمی تونه در این موقع کمکم کنه.
- 4- من نمیدونستم که تو می خواهی مرا اذیت کنی.
- 5- او فکر کرد که شما ممکن است نیاید اینجا.

1- I had to be sure that that book didn't belong to you.

2- I had to do every thing that he told me.

3- He said that he couldn't help me in this time.

4- I didn't know that you wanted to bother me.

5-He thought that you might not come here.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



### تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- آیا فردا تمام روز را کار می کنی.
- 2- امشب ساعت 8 چه کار می کنی؟ دارم تلویزیون تماشا می کنم.
- 3- من فردا ساعت 3 می آیم. خوب منتظر تو هستم.
- 4- ما بهتره فردا بیرون بریم چون رضا تمام روز را می خواهد پیانو بزند.
- 5- آیا فکر می کنی وقتی ما برسیم اونها منتظرمان باشند.

- 1- Will you be working all the day tomorrow?
- 2- What will you be doing at 8 o'clock tonight? I am watching TV.
- 3- I will come at three o'clock good!/well! I will be waiting for you.
- 4- We had better go out because Reza will be playing the piano.
- 5- Do you think when we get there, they will be waiting for us.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

## Sequence of tenses

## تطابق زمانها:

هر گاه چندین جمله به دنبال هم قرار بگیرند و جمله اول گذشته باشد سایر جملات نیز به گذشته تبدیل می

گردند. اگر چه در فارسی ممکن است اینطور نباشد. مثال:

مثال:

1- او گفت باید انجام بده هر چی را که داداش بزرگش میگه.

He said that he had to do whatever his elder brother said.

2- او خوب می دانست که حق ندارد من رو اخراج کند.

He knew well that he didn't have the right to fire me.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

## «Used to »

دلالت بر عملی می کند که در گذشته به صورت عادت و تکرار انجام می شده که در فارسی می توان آن را به ( سابقاً - قدیمها - اونروزها- جوانیها) ترجمه کنیم و برای سؤالی و منفی کردن آن از **did** استفاده می شود

مثال:

He **used to** smoke a lot. او سابقاً زیاد سیگار می کشید.

Did you **use to** study here? آیا تو سابقاً اینجا درس می خواندی.

I didn't **use to** see him very often. من قدیمها او را زیاد نمی دیدم.

else where :           یه جای دیگه

someone else :       یک نفر دیگه

Used to : علاوه بر عادت و تکرار بیانگر وضعیت و موقعیت در گذشته می باشد.

مثال:

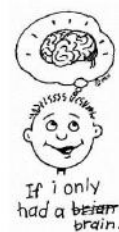
او سابقاً ناظم مدرسه بود اما حالا دیگه نیست

He **used to** be the dean of high school but he isn't now ,again.

توجه : به جای **used to** می توان **would** به کار برد فقط زمانی که عادت و تکرار مطرح باشد.

used to/would →       عادت - تکرار

used to →           موقعیت و وضعیت



else where :           یه جای دیگه



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

someone else : یک نفر دیگه

مثال:

1- من هر وقت بی پول می شدم می رفتم پیش مادرم.

Whenever I needed some money, I used to/would go to my mother.

2- او سابقاً یک جای دیگه کار می کرد.

He used to work else where.

3- آیا پدرت قبلاً ماشین داشت؟

Did your father use to have a car?

4- من قبلاً تا دیروقت می خوابیدم اما الان زود بیدار می شوم.

I used to sleep late, but I get up early now.

5- ما سابقاً شهر دیگه ای زندگی می کردیم.

We used to live another the city.

6- سابقاً یک نفر دیگه ای معلم ما بود.

Some one else used to be our teacher.

تذکر:

to be used to یا to get used to      فعل ing / اسم / ضمیر +

**To be used to** به مفهوم ( عادت داشتن به ) می باشد.

**To get used to** به معنای ( عادت کردن به ) می باشد.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



مثال:

to take a nap : چرت زدن  
to do exercises : ورزش کردن  
or else : وگرنه



She **is used to** cats.

She **is used to** her mother.

She **is used to** taking a nap after lunch.

بعد از این دو می توان اسم ، ضمیر و یا فعل **ing** دار داشت **used** در این دو حالت برابر کلمه

**accustomed** به مفهوم عادت می باشد.

مثال:

بعضی از شماها عادت ندارید جلوی کلاس بایستید اما نگران نباشید کم کم عادت خواهید کرد.

Some of you **aren't used to** standing in front of the class but don't worry, gradually you will **get used to** it.



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- این قدر سیگار نکش وگرنه بهش عادت می کنی.
- 2- من اصلاً خسته نیستم چون عادت دارم که ساعتها کار کنم.
- 3- او عادت دارد صبحها ورزش کند.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

- 4- اولش ما به این معلم عادت نداشتیم اما بالاخره به او عادت کردیم.  
5- او عادت دارد بعد از نهار یک چرت بزند.  
6- آیا تو به زندگی در این محل عادت داری، نه عادت ندارم – نگران نباش بالاخره عادت می کنی.  
7- او عادت دارد قبل از خواب کتاب بخونه.

1. I Don't smoke so much, or else you will get used to it.
2. I'm not tired at all. I'm used to working for hours.
3. He is used to doing exercises every morning.
4. At first, we weren't used to this teacher but , at last we got used to him.
5. He is used to take a nap after lunch.
6. Are you used to living in this area. No I am not (used to living here)
7. Don't worry, at last you get used to it.
8. He is used to reading book before sleeping.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

## « ضمیمه های سؤالی » Question tag

گاهی اوقات در فارسی برای تأکید حرف خود یا خواستن نظر شنونده در آخر جملات ( مگه نه - مگه این طور نیست - و هان) به کار می بریم که برای ترجمه آنها به یکی از دو روش زیر عمل می گردد:

1- اگر جمله ما مثبت باشد باید فعل کمکی و not را به صورت سؤالی منفی مخفف شده در آخر جمله قرار بدهیم مثل :

1- باید از مقررات پیروی کنیم مگه نه؟ یا نباید پیروی کنیم؟

We must obey the regulations , **mustn't we?**

2- میتونه بهمون اعتماد کنه مگه نه؟ یا میتونه بهمون اعتماد کنه ، نمیتونه؟

He can trust us , **can't he?**

3- آن چرا که تو گفتی من باور کردم مگه نه؟ یا آن چرا که تو گفتی من باور کردم، نکردم؟

I believed what you said , **didn't I?**

2- در صورتی که جمله منفی باشد باید فعل کمکی و فاعل را به صورت سؤالی مثبت در انتهای جمله به کار ببریم مثلاً

او از سگ نمی ترسد - مگه نه؟

She isn't afraid of the dog, **is she?**

آنها به او اتهام دزدی نزدند - مگه نه؟

They didn't accuse him of stealing, **did they?**

تو که دوست نداری بهت بگویند خنگ - مگه نه؟

You don't like to be called stupid, do **you?**

تبصره 1 : چون am not مخفف ندارد در زمینه های سؤالی از I aren't یا I am not استفاده می شود  
مثل :



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

من نسبت به تو وفادارم مگه نه؟

I am faithful to you, **aren't I?**

I am faithful to you, **am I not?**

من نسبت به بچه‌ها مهربانم مگه نه؟

I am kind to the children, **aren't I?**

تبصره 2: در ضمیمه‌های سؤالی به جای اسم از ضمائر فاعلی استفاده می‌شود و در صورتی که جمله ای با

there شروع شود از خود آن استفاده می‌کنیم مثال:

پول خوشبختی نمی‌آورد مگه نه

Money doesn't bring luck, **does it?**

شاگردان بیشتر مایلند بموندند مگه نه.

The students are willing to stay more, **aren't they?**

علی رضا بیرون منتظر است مگه نه.

Ali reza is waiting outside, **isn't he?**

امروز کلاس نیست مگه نه.

**There is no class today, is there?**

آن کتاب متعلق به تو نیست مگه نه.

That book doesn't belong to you, **does it?**

تبصره 3: هر گاه در جمله کلمات منفی مانند کلمات زیر داشته باشیم ضمیمه سؤالی آن مثبت خواهد بود.

Hardly / Never / Barely / No / Seldom/ None/ Rarely/ Little / Scarcely / Few

مثال:

این روزها پول به جایی نمی‌رسد؟ مگه نه.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

Money goes nowhere nowadays, **does it**?

لیلا هیچ وقت دروغ نمی گوید.

Leyla never tells lise, **dose she**?

تبصره 4: جملاتی که با let's شروع می شوند (حالت پیشنهادی دارند) ضمیمه سؤالی شان shall we

خواهد بود مانند:

بیا بریم و همه چی رو بهش بگیم میای؟

**Let's** go to tell him every thing , **shall we**?

**Let's** study together, **shall we**?

تبصره 5: tag جملات امری چه مثبت چه منفی یکی از عبارات زیر خواهد بود:

Will you- would you- can you- could you

Do me a favor, **will you**?

Come and see us, **will you**?

Don't be so stingy, **will you**?



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

## Avoid Repetition

## جلوگیری از تکرار اسم

هم در فارسی و هم در انگلیسی اسم قابل حذف می باشد منتها در انگلیسی پس از حذف اسم باید **a** و **an** را به **one** تبدیل کرد. **Any & some** تغییری نخواهد کرد و در صورتی که اسم با **no** منفی شده باشد در حالت حذف اسم از **none** استفاده می کنیم. هنگام جلوگیری از تکرار اسم کلمه (هم) وارد جمله می شود که در حالت مثبت به **too** و در حالت منفی به **either** ترجمه خواهد شد.

a/an اسم  
→  
**one, too**

I want to buy **a** car.  
I want to buy **one, too**.

(1)

Some اسم  
→  
**some, too**

I like **some** cold drink.  
I like **some, too**.

(2)

any اسم  
→  
**any, either**

I don't have **any** change.  
I don't have **any, either**.

(3)

no اسم  
→  
**none, either**

We have **no** class today.  
We have **none, either**.

(4)



@caffeinebookly



caffeinebookly



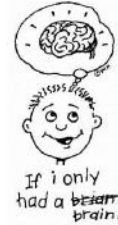
@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



to know of: سراغ داشتن

to be willing: مایل بودن

party : مهمانی

**1-** من می خواهم یک مقداری میوه بخرم. من هم می خواهم بخرم.

I want to buy some fruit , I want to buy some too.

**2-** او دوستان خوبی در این کلاس دارد من هم دارم.

He has a lot of good friends in this class, I have some too

**3-** من وقت ندارم جواب تلفن را بدهم او هم ندارد.

I have no time to answer the telephone , he doesn't have any either.

**4-** من یک دکتر خوبی رو سراغ دارم . من هم یکی رو سراغ دارم.

I know of a good doctor, I know of one too

**5-** آنها هم مایل نیستند به آن مهمانی بروند.

They arent willing to go to that party , either.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

## The additions « جلوگیری از تکرار جمله »

در فارسی می توان با مجموعه « هم \_ همینطور » از تکرار جمله جلوگیری نمود که برای ترجمه آن به یکی از دو روش زیر عمل می کنیم:

- فاعل + فعل کمکی + **so** → مثبت
- too** + فعل کمکی + فاعل → مثبت
- فاعل + فعل کمکی + **neither** → منفی
- either** + فعل منفی + فاعل → منفی

مثال:

1- او امروز سر حال است من هم همینطور.

He is in a good mood today, so am I/ I am too.

2- او سابقاً اینجا درس می خواند برادرش هم همینطور.

He used to study here, so did his brother/ his brother did too.

3- او مجبور نیست با شما کار کند - کارگرها هم همینطور.

He doesn't have to work with you, neither do the workers/ the workers don't either.

4- او فردا نمی آید کلاس دوستش هم همینطور.

He won't attend the class tomorrow, his friend won't either/ neither will his friend.

5- من از او تشکر کردم علی هم همینطور.

I thanked him, so did ali.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



6- او به من سلام نداد داداشش هم همینطور.

He didn't say hello to me, neither did his brother.

7- او از دوستان قدیمی من است علی هم همینطور.

He is one of my old friends , so is ali .

8- ما هفته آینده امتحان خواهیم داشت ، آنها هم همینطور.

We will have a test next week , so will they.

9- من نمیتونم حرف های تو رو خوب بفهمم ، او هم همینطور.

I can't understand your words well , neither can he.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

## CAN → در آینده

اگر توانستن مفهوم اجازه و امکان را داشته باشد در آینده از خود **can** استفاده می شود. اما اگر قدرت و توانایی مطرح باشد باید از « **will be able to** » استفاده کرد.

( قدرت و توانایی ) **can** → **will be able to** در آینده

( اجازه - امکان ) **can** → **can** در آینده

**1-** تو می توانی فردا همراه من بیایی به شرط اینکه از پدرت اجازه بگیری.

You **can** come with me tomorrow, provided you ask your father's permission.

**2-** پایم بد جوری درد می کند نمی تونم فردا توی تیم بازی کنم.

My foot hurts painfully, I **won't be able to** play on the team tomorrow.

## MUST → در آینده

اگر باید در آینده حالت امر و دستور داشته باشد و یا اینکه از طرف گوینده و یا شنونده مطرح گردد باید از خود **must** استفاده گردد. اما اگر امر و دستور نبود بلکه علت و دلیلی برای نیاز به کاری باشد در این حالت **will have to** بکار می رود.

( علت و دلیل برای نیاز به کاری ) **Will have to** → **must** در آینده

( امر و دستور از طرف گوینده و شنونده ) **Must** → **must** در آینده



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

1- تو باید هر چی که من می گویم انجام دهی وگرنه ( والا ) اخراجت می کنم.

You must do what I say, or else I will fire you.

2- اگر می خواهی توی امتحان کنکور قبول شوی باید حسابی مطالعه کنی.

If you want to pass in the university entrance examination , you will have to study hard.

## WANT → در آینده

اگر خواستن به مفهوم احتیاج و نیاز باشد یعنی در اصل با اسم غیر مشخص همراه باشد از **will want** استفاده می کنیم.

و اگر خواستن با فعل همراه بوده و به مفهوم قصد و تصمیم باشد از **to be going to** استفاده می شود و در صورتی که خواستن با مفعول شخصی همراه بوده و به مفهوم انتظار داشتن باشد از فرمول زیر استفاده می شود.

### مصدر + مفعول شخصی + want

want در آینده	expect	→	مصدر + مفعول شخصی + Want	انتظار داشتن، خواهش کردن
	intend	→	فعل + to be going to	تصمیم داشتن، قصد داشتن
	need	→	اسم غیر مشخص + will want	نیاز، احتیاج

مثال:

من هفته آینده پولم رو می خوام - می خوام یک ماشین بخرم - ازت می خوام پولم رو پس بدهی.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

I will want my money next week - I'm going to buy a car- I want you to pay my money back.



[@caffeinebookly](https://twitter.com/caffeinebookly)



[caffeinebookly](https://plus.google.com/caffeinebookly)



[@caffeinebookly](https://www.instagram.com/caffeinebookly)



[caffeinebookly](https://www.linkedin.com/company/caffeinebookly)



[t.me/caffeinebookly](https://t.me/caffeinebookly)

## Some & any

1- some به مفهوم (تعدادی - چند تایی - بعضی) قبل از اسامی قابل شمارش جمع و به مفهوم (مقداری - مقدار کمی - قدری) قبل از اسامی غیر قابل شمارش به کار رفته و در جملات منفی به any تبدیل می گردد.  
مثال:

I want to buy **some** books. می خواهم تعدادی کتاب بخرم.

**some** people say that he is crazy. تعدادی از مردم گفتند که دیوانه است.

There is **some** cold water in the jar. مقداری آب خنک در کوزه وجود دارد.

why didn't you eat **any** fruit? چرا تو هیچ میوه ای نخوردی؟

من نمی خواهم هیچ کدام از شما دو تا روزه شوید .

I don't want **any** of you to fail.

تبصره 1: اگر هنگام سؤال انتظار جواب مثبت داشته باشیم جواب some است.

You look thirsty , do you want **some** water?

تبصره 2: در جملات تعارفی some به any تبدیل نمی شود. مثال:

would you like **some** more tea? باز هم چای میل دارید؟

تبصره 3: اگر اسم قابل شمارش مفرد به طور کلی نامعین باشد قبل از آن some به کار می بریم.

You should have a good command of english because **some day** , **some student** may ask you **some question** that you can't answer.

تو باید به انگلیسی مسلط باشی - چون یک روزی (نا مشخص) - یک شاگردی (نا مشخص) ممکن است یک سؤالی از تو پرسد که نتوانی جواب بدهی.

تبصره 4: any در جملات مثبت با اسم مفرد به کار رفته و تأکید کلمه هر می باشد.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

برای نهار چی میل دارید؟ هر چی که تو دوست داشته باشی.

What would you like for lunch? Any thing you like.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

## « ضمائر نیمه مجهول »

some body	→	یک نفر - یک کسی
some one	→	یک نفر - یک کسی
some thing	→	یک چیز
some where	→	یک مکانی - یک جایی
some place	→	یک مکانی - یک جایی

اگر به جای some از every یا any استفاده کنیم خواهیم داشت:

every body	→	همه - همه کس
every one	→	همه - همه کس
every thing	→	همه چیز
every where	→	همه جا
every place	→	همه جا

اگر no را به جای some به کار ببریم این ضمائر منفی خواهند شد.

no body	→	هیچ کس
no one	→	هیچ کس
no thing	→	هیچ چیز
no where	→	هیچ جایی
no place	→	هیچ جایی

کلیه ضمائر گفته شده همانند سوم شخص مفرد عمل می کنند.

some body / every body / nobody / any body → works



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

اگر به این ضمایر گفته شده حالت ملکی تعلق بگیرد بعد از آنها 's خواهیم داشت و در صورتی که با else همراه باشد 's را بعد از آن خواهیم آورد.

Some body	}	+ اسم + 's	
every body			
no body			+ اسم + 'else's
any body			

هر گاه ترکیبات some فاعل جمله باشند فقط و فقط با no منفی می گردند اما اگر فاعل نبوندند دو منفی خواهند داشت یکی با no جمله مثبت و دیگری با any جمله منفی می آید.

**Somebody** knows him. یک نفر او را می شناسد

**Nobody** knows him. هیچ کس او را نمی شناسد.

He knows **somebody**. او می شناسد یک نفر را

He knows **nobody**. او هیچ کس را نمی شناسد

He doesn't know **anybody**. او هیچ کس را نمی شناسد

1- آیا کسی تصمیم دارد چیزی بگوید.

Is anybody going to say anything?

2- دیروز کسی چیزی به من نگفت.

Nobody told me anything yesterday.

3- می خواهم همه این موضوع را بفهمند.

I want every body to understand this matter.

4- برادر یک کس دیگه ای یک چیز دیگه ای می گفت.

Some body's brother said some thing else.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



Some body else's brother said some thing else.

5- ما تصمیم داریم از یک جای دیگه دیدن کنیم.

We are going to visit some where else.

اگر بخواهیم ترکیبات some را جمع بنندیم خواهیم داشت:

some body/some one      some people      یک کسانی → یک کسی

some thing      some things      یک چیزهایی → یک چیزی

some where/some place      some places      یک جاهایی → یک جایی

Else: در حالت جمع به other تبدیل می گردد. بنابراین خواهیم داشت:

some body else      some other people      کسان دیگری → یک کس دیگر

some one else      some other people      کسان دیگری → یک کس دیگر

some thing else      some other things      چیزهای دیگری → یک چیزی دیگر

some where else      some other places      جاهای دیگری → یک جای دیگه

some place else      some other places      جاهای دیگری → یک جای دیگه

اگر در حالت جمع به جای some از what استفاده شود حالت سؤالی خواهیم داشت.

what other people?      چه کسان دیگه ای؟



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

what other things? چه چیزهای دیگه ای؟

what other places? چه جاهای دیگه ای؟

اگر ضمایر نیمه معین در حالت مفرد مورد سؤال قرار گیرند خواهیم داشت:

some body else / some one else → who else? دیگه کی

some thing else → what else? دیگه چی

some where else/ some place else → where else? دیگه کجا

نکته : به جای whom else از who else و به جای whose else از who else's استفاده می شود. مثال:

-1 چه کسان دیگه ای را می خواهی برای شام دعوت کنی؟

What other people are you going to invite for dinner?

-2 ماشین چه کس دیگه ای بیرون است؟

Who else's car is outside?

-3 چه چیزهای دیگه ای او می داند؟

What other things does he know?

-4 دیگه کی دوست داشت همراه تو به اینجا بیاید؟

Who else liked to come here with you?

-5 برادر چه کس دیگه ای این موضوع رو می دونه؟

Who else's brother knows this matter?



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

## « دو ملکیتی ها »

چون **this** و **that** و جمع آنها **these** و **those** را نمی توان با صفات ملکی به کار برد لذا از فرمول زیر که به آن دو ملکیتی گفته می شود استفاده می کنیم.

**this,that,these,those + اسم + of + ضمائر ملکی 's**

This book of Ali's.

This book of mine.

1- من این برادر تو را از قبل می شناسم.

I already know this brother of yours.

2- ممکنه اون کتاب انگلیسیت را قرض کنم؟

May I borrow those two english books of yours?

3- این پسر علی آقا همیشه ما را اذیت می کنه.

This son of Ali's always bothers us.

4- این دانش آموزان ما دوست دارند جملات فارسی بیشتری بنویسند.

These students of ours like to write more persian sentences.

5- یکی از دانش آموزان من می خواهد حقیقت را بداند.

One student of mine wants to know the fact.

6- این معلم ما گاهی اوقات به حرفهای ما گوش نمی دهد.

This teacher of ours sometimes doesn't listen to our words.

7- تعدادی از همکلاسیهای شما تصمیم دارند جمعه آینده به اینجا بیایند.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

Some of your classmates decide to come here next Friday.

8- این برادر بزرگتر تو می تونه با اون دوست خوب من دوست بشه.

This elder brother of yours can make friends with that good student or friend of mine.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

## حالات ملکی : possessive forms

1- صفات ملکی

2- ضمائر ملکی

3- of و 's

4- own : به مفهوم داشتن - مالک بودن و صاحب بودن می باشد و همانند سایر افعال صرف می شوند.

His father **owns** a factory. پدرش مالک یک کارخانه است - کارخانه دار است.

I used to **own** a bicycle. من سابقاً یک دوچرخه داشتم.

تذکر: هر گاه کلمه خود صفت ملکی را تأکید کند آنرا به own ترجمه نموده و بعد از صفت قرار می دهیم.

whose car is it? ماشین کیه؟ that is my own car. ماشین خودمه

تذکر : belong to : به مفهوم متعلق بودن و تعلق داشتن است.

This fountain pen belongs to me. این خودنویس متعلق به من است

Whom does this fountain pen belong to? این خود نویس متعلق به کیست؟



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

## رابطه دو جمله : Putting two sentences together

در انگلیسی دو جمله را با **keep** ربط می دهند در این حالت اگر جمله دوم سؤالی باشد کلمه (که) به (که آیا)

تبدیل می گردد که در انگلیسی آن را به **if** یا **whether** ترجمه می کنند.

« باید توجه داشت که بعد از این دو، جمله از حالت سؤالی خارج می گردد. »

در ضمن در آخر جمله فارسی یا نه به کار می برند که نیازی به ترجمه آن نیست و در صورت تمایل می توان آنرا

به (or not) ترجمه نموده و در آخر جملاتی قرار داد که از **whether** استفاده شده است (or not) می تواند

بعد از **whether** نیز قرار گیرد.

I want to know if you will come here tomorrow on Friday.

I want to know whether you will come here tomorrow on Friday.

I want to know whether or not you will come here tomorrow on Friday.

I want to know whether you will come here tomorrow on Friday or not.

می خواهم بدانم که آیا شما جمعه می آید اینجا یا نه؟ شما جمعه می آید اینجا یا نه؟



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

## « جملات دو سؤالی »

الف ) هر گاه از کسی با لغات استفهامی بپرستند و بنا به هر دلیلی مجبور شویم جمله سؤالی خود را تکرار کنیم در حالت تکرار مجموعه ( گفتی - گفتید - فرمودید - ببخشید ) وارد جمله می گردد که در انگلیسی آنها را به **did** **you say** ترجمه نموده و بعد از لغات استفهامی قرار می دهیم . لازم به تذکر است که **did you say** تأثیری بر زمان جمله ندارد.

مثال:

Where are you going? کجا داری می روی؟

Where **did you say**, you are going? گفتی کجا داری می روی؟

How much money do you have on you ? چقدر پول همراهت داری ؟

How much money **did you say** you have on you? گفتی چقدر پول همراهت داری؟

ب) اگر از کسی سؤالی با لغات استفهامی بپرسیم و شنونده به جای جواب، سؤالی بر سؤال ما اضافه کند در فارسی از مجموعه « اگر گفتی » استفاده خواهیم کرد که در انگلیسی آن را به « **do you think** » ترجمه نموده و بعد از لغات استفهامی قرار می دهیم.

مثال :

Who is he ? او کیست؟

Who **do you think** he is? اگه گفتی او کیست؟

How old are you ? چند سالته ؟

How old **do you think** I am? اگه گفتی من چند سالمه ؟



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

## بحث : « self »

1- هر گاه فاعل و مفعول جمله یک نفر باشند در فارسی از ، خودت ، خودم ، خودش ، خودمان ، خودتان ، خودشان ، ولی در انگلیسی از ضمایر زیر که به آنها « ضمایر انعکاسی » گفته می شود استفاده می کنیم.

### Reflexive pronouns

ضمایر انعکاسی

مفرد	جمع
myself خودم	ourselves خودمان
yourself خودت	yourselves خودتان

مثال :

چرا خودت را معرفی نکردی؟

Why didn't you introduce **yourself**?

فکر می کنم دیوانه است داره با خودش حرف می زنه.

I think she is crazy, she is talking to **herself**.

2- اگر self ها ، مفعول جمله نباشند ، حالت تأکیدی داشته و می توانند در آخر جمله و یا بعد از فاعل قرار گیرند.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



مثال :

تو خودت این حرف رو بهم زدی ؟

You told it to me, **yourself**.

You, **yourself** told it to me.

اونها خودشان ما را دعوت کردند.

They invited us **themselves**.

They **themselves** invited us.

3- هر گاه self ها مفهوم به تنهایی را داشته باشند قبل از آنها by اضافه می شود و در حالت تأکیدی « **all by** » را

خواهیم داشت.

مثال : پسرم اینقدر بزرگ شده که خودش به تنهایی برود به مدرسه.

My son is old enough to go to school **by himself**.

مثال : تک و تنها نشسته دم در و داره گریه می کنه.

He is sitting at the door **all by himself** and crying.

4- هر گاه self ها همراه با حرف اضافه بوده و حالت انعکاسی نداشته باشند ( یعنی خودشان مفعول جمله نباشد)

در این حالت از ضمایر مفعولی باید استفاده کرد این قانده در مورد **to** و **for** صادق نیست.

I take the books with me/ **myself**

she has some money on her/ **herself**

close the window behind you/ **yourself**

she made address for **herself**

I read the text to **myself**



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



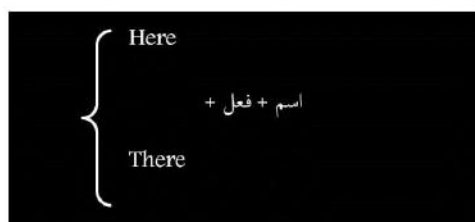
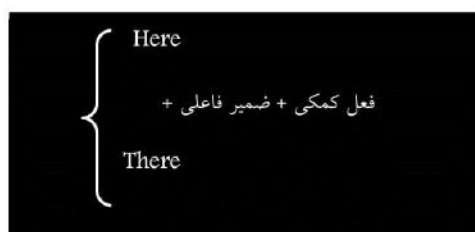
caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

## Here & There

here به مفهوم اینجا و there به معنای آنجا هر دو قید مکان جمله می باشند . برای تأکید می توان آنها را در اول جمله قرار داد در این حالت اگر فاعل ما اسم باشد فعل به قبل از آن منتقل می گردد.



مثال:

- Here I am. ( بله اینجا هستم - ایناهاشم )  
Here you are. ( بفرما - دیدی )  
Here it is . ( ایناهاش )  
There they are. ( اوناهاشن )  
There are the children ( اوناهاشن بچه ها )  
Here comes the bus. ( ایناهاش اتوبوس داره میاد )  
There goes your fathre. ( اوناهاش پدرت داره میاد )



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

## « چند عبارت تعارفی »

Help your self:	تعارف برای خوردن
you first:	شما بفرمایید (دم در هنگام ورود)
after you:	شما بفرمایید (دم در هنگام ورود)
ladies first:	بفرمایید-خانمها اول - خانمها مقدمترند.
please be seated:	بفرمایید بنشینید
go on:/ go ahead	بفرمایید ادامه دهید
who is speaking:	بفرمایید شما کی هستید

there are از جمع و there is در حالت مفرد از there is را در مکانی بیان کنیم در حالت مفرد از there is و در حالت جمع از there are استفاده می شود. مثال:

یک خودکار توی جیبم است بیا برش دار.

There is a pen in my pocket , come and take it.

وقتی اومدم تو دو تا خودکار روی میزم بود.

When I came in, **there were** two pens on my desk.

یک کمی آب یخ توی یخچال است.

**There is** some cold water in the refrigerator.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



### تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- می خواهم بدونم که آیا تصمیم داری این خانه را بخری یا اجاره کنی؟
- 2- از او بپرس که آیا می تونه یک مقداری پول بهت قرض بدهد؟
- 3- مطمئن نیستم که آیا او همراه من به جلسه خواهد آمد یا نه ؟
- 4- او خودش به تنهایی در این خانه کوچک زندگی می کند.
- 5- ای کاش می توانستم خودم را همانطور که دیگران می بینند ببینم.

- 1- I want to know whether you are going to buy or rent the house.
- 2- Ask him if he can lend you some money.
- 3- I'm not sure whether he will come to the meeting with me or not.
- 4- He lives in this small home by him self.
- 5- I wish I could see my self as others see me.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

## بحث « it »

هر گاه فاعل جمله بنا به هر دلیلی مشخص نباشد از ضمیر **it** به عنوان نائب فاعل استفاده می شود و موارد کاربرد آن عبارتند از:

1- آب و هوا :

مثال :

**It is hot today.**

**It is cold today.**

**It was raining.**

**It is sunny.**

هوا بارانی بود.

هوا آفتابی است.

2- قید زمان :

مثال :

**Hurry up ! it is getting late .**

**What time is it ? it is five to two.**

**What time is it ? it is five to two.**

عجله کن داره دیر می شه.

ساعت چند است؟ ساعت 5 دقیقه مانده به 2 .

3- مسافت :

مثال :

**it is far.**

**How far is it from here?**

**it is about 5 miles.**

دور است.

از اینجا چقدر دور است ؟

حدود 5 مایل است.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

4- شناسایی و تشخیص هویت : مثال:

کی پشت در است ؟ باید علی باشد.

Who is **it** at the door? **It** must be Ali.

5- همراه با صفات :

مصدر + ( مفعول + for ) + صفت + **it + is / was / will be**

انگلیسی حرف زدن آسان است.

It is easy.

It is easy **to speak** English.

It is easy **for you to speak** English.

6- It در اصطلاحات مختلف به کار می رود مانند:

That is it خودشه

It is a pity : افسوس حیف شد

It pays well/ it is worth it: می ارزد - ارزشش را دارد

Be it so : آمین - اینطور بشه

take it easy: بی خیال - سخت نگیر

it is time: وقتشه

it makes no difference : فرق نمی کنه

**it is no** Use/ Good + فعل + ing

بی فایده است، فایده ندارد

It isn't up to you

به توجه مربوط

It is none of your business

به توجه مربوط



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

## صرف یک فعل در 16 زمان

1 I take.	حال ساده
2. I am taking.	حال استمراری
3. I have taken.	ماضی نقلی ( حال کامل )
4. I have been taking .	ماضی نقلی استمراری ( حال کامل استمراری )
1. I will take.	آینده ساده
2. I will be taking.	آینده استمراری
3. I will have taken.	آینده کامل
4. I will have been taking.	آینده کامل استمراری
1. I would take.	آینده در گذشته
2. I would be taking.	آینده در گذشته استمراری
3. I would have been taking.	آینده در گذشته کامل استمراری
4. I would have taken.	آینده در گذشته، کامل
1. I took.	گذشته ساده
2. I was taking.	گذشته استمراری
3. I had taken.	ماضی بعید- گذشته کامل
4. I had been taking.	گذشته کامل استمراری



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

## « حروف اضافه مکان »

1- **along** = به مفهوم در طول و در امتداد.

**across** = به معنای در عرض و آنطرف می باشد.

من از این سوی خیابان به آن سو رفتم.

I went **across** the street.

دیروز او را دیدم کنار خیابان قدم می زد.

I saw him walking **along** the street yesterday.

یک ساندویچ فروشی آنطرف خیابان است.

There is a sandwich shop **across** the street.

2- **against**: به معنای بر علیه و بر خلاف و بر ضد و تکیه دادن بر چیزی می باشد.

They voted **against** us.

آنها بر خلاف ما رأی دادند.

It is **against** regulations.

بر خلاف مقررات است.

3- قبل از وسائط نقلیه و همینطور چهار طریقه مسافرت حروف اضافه **by** به کار می رود و در صورتیکه

قبل از وسائط نقلیه صفت ملکی و یا حروف تعریف داشته باشیم از **in** استفاده می گردد و در مورد اتوبوس **on** هم

صحیح است و در مورد حیوانات وسائط دو چرخ حرف اضافه **on** به کار می بریم.

**By bus , By taxi , By car , By subway , By plane**

**By land , By sea , By air , By train ( rail road )**

**in/on a bus**

**in the car , in my car**

**on a bicycle , on a horse**



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



4- **inside : outside # inside** بیان کننده سطح و فضای داخلی می باشد و متضاد آن **out side** می

باشد.

داخل کلاس گرمتر از بیرون کلاس است.

It is hotter **inside** the class than **outside**.

در از داخل قفل است.

The door is locked from **inside**.

5- **in # out , into # out of**

**in** به معنای ( در ، داخل ، توی ) می باشد و وقتی به کار می رود که عملی در حرکت نبوده و اگر هم باشد اسم مکان ذکر نمی گردد و در صورت ذکر مکان از **into** استفاده خواهد شد. متضاد **in # out** و متضاد **into # out of** می باشد.

مثال :

the student are in class.

دانش آموزان توی کلاسند

come in.

بیا تو

go out.

برو بیرون

come into the class.

بیا توی کلاس

go out of the class.

از کلاس برو بیرون

با لباس پرید توی استخر و بچه ای را که داشت غرق می شد بیرون آورد.

He jumped **into** the pool with his clothes on and pulled the drowning boy **out of** the pool.

تذکر: برای مکانهای سر پوشیده و مایع و محصور **in** به کار می رود.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

in the room , in the office

سر پوشیده

in the yard , in the garden

محصور

in the river , in the sea

مايع

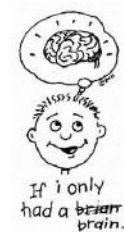
تذکر: قبل از there , here می توان in به کار برد.

Come in here.

بیا اینجا

Don't smoke in there .

اونجا سیگار نکش



to eat in.

در خانه غذا خوردن

to eat out.

بیرون خانه غذا خوردن

to be in.

در خانه بودن

to be out.

در خارج از خانه

to let in.

اجازه ورود

to let out.

اجازه خروج

to breathe in.

دم

to breathe out.

باز دم



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

6- **at** : به مفهوم ( کنار - نزدیک - دم ) می باشد و در مورد **table , desk** به معنی پشت است . مثال :

او نشسته دم پنجره و داره بیرون را تماشا می کنه.

He is sitting **at** the window and watching out.

پشین پشت میزت و درس بده .

Sit **at** your desk and teach.

نکته : مکان: **in** بزرگ - **at** کوچک

The plane will land **in** Tehran **at** Mehrabad airport.

نکته : سازمان: **at** بزرگ - **in** کوچک

He works **at** the oil company **in** accounting department.

تذکر: برای « **office** » که دو حالت دارد:

آقای جونز در یک جای اداره است ولی در دفترش نیست.

Mr Jones is somewhere **at** the office but not **in** his office.

7- **on** : وقتی به کار می رود که چیزی بر روی چیز دیگری تماس داشته باشد.

مثال:

روی زمین نشین ، بنشین روی صندلی.

Don't sit **on** the floor ! sit **on** the chair.

8- **over & above** :

هر دو وقتی به کار می روند که چیزی بر بالای چیزی دیگر بدون تماس قرار گرفته باشد با این تفاوت که **over**

حالت عمود اما **above** غیر عمود می باشد.

و متضاد **over # under** و **above # below** می باشد.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

مثال 1 : اسم را باید کجا بنویسیم بالای خط یا پایین خط؟

Where should I write my name? **over** the line or **under** it .

مثال 2 : چهار تا لامپ بالای سر ما است.

There are four lights **above** our heads.

مثال 3 : زیر پایت چیه ؟

What is it **under** your foot



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

## حال کامل ( ماضی نقلی ) :

تعریف : این زمان دلالت بر انجام عملی را می نماید که در گذشته شروع و حال که راجع به آن صحبت می کنیم اثر و نتیجه آن باقی و مشخص است .

علامت این زمان در زبان فارسی :

A : طول مدت زمان با کلمه « است » همراه جملات حال ساده علامتی از این زمان در فارسی می باشد. در این حالت کلمه است به انگلیسی ترجمه نشده و قبل از طول مدت زمان، For بکار می بریم که به فارسی ترجمه نمی شود.

طول مدت زمان + است + حال ساده ← حال کامل

مثال:

I have known him **for** two years. دو سال است که او را می شناسم.

He has had this car **for** five years. 5 سال است که او این ماشین را دارد.

B : وجود کلمه « از » در اول قید زمان گذشته و مجموعه « تا حالا » همراه با جملات حال ساده علامت دیگر این زمان در فارسی است. در این حالت مجموعه تا حالا به انگلیسی ترجمه نشده و کلمه ( از ) را به **since** ترجمه کرده و قبل از قید زمان به کار می بریم.

از + قید زمان گذشته + تا حالا + حال ساده ← حال کامل

مثال : او از ساعت 2 تا حالا اینجا است.

He has been here **since** two o'clock.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

مثال : از هفته پیش تا حالا مدرسه نمی رود.

He hasn't gone to school **since** last week.

C: وجود ( ام - ای - است - ایم - اید - اند ) بعد از اسم مفعول فعل فارسی علامت دیگر این زمان می باشد.

مثال:

I haven't notified them.

من به آنها اطلاع نداده ام .

نشانه های این زمان

**for -1**

**for + طول مدت زمان**

for two weeks.

دو هفته است

**for the last/ past + طول مدت زمان**

for the last two weeks.

از دو هفته پیش تا حالا

**: since .2**

**since + قید زمان گذشته**

since yesterday

از دیروز تا حالا



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

**قید زمان + last + since**

since last week

از هفته پیش تا حالا

3- **since / since then/ever since** : از آن موقع تا حالا

دو هفته پیش رفته انگلیس از آن موقع تا حالا از او خبری ندارم.

He left for England two weeks ago and I haven't heard from him since/ since then/  
ever since.

4.

**( I ) گذشته ساده + since + ماضی نقلی**

**( II ) گذشته ساده + since + قید زمان + it is**

در فرمول (I) اگر قبل از since قید زمان بود فرمول به (II) تبدیل می شود.

مثال : از وقتی این ترم را شروع کردیم سه ماه می گذرد.

It has been three months **since** we started this term.

It is three months **since** we started this term.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



### تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- از وقتی که دوستش مرد تا حالا خیلی ناراحته.
- 2- دو ترم است انگلیسی می خوانیم ولی نمی توانیم انگلیسی صحبت کنیم.
- 3- او از صبح تا حالا هیچ چیزی نخورده است.
- 4- سه سال است او در این مدرسه ریاضیات تدریس می کند.
- 5- یک ساعت و نیم است که او اینجا است.

- 1- He has been very upset since his friend died.
- 2- We have studied English for two terms but we can't speak.
- 3- He hasn't eaten anything since morning.
- 4- He has taught mathematics in this school for three years.
- 5- He has been here for an hour and a half.

5. **recently-lately** : هر دو به مفهوم اخیراً - تازگی ها - قبل از p.p و یا انتهای جمله به کار می رود.

مثال:

او اخیراً یک ماشین نو خریده است.

He has **recently / lately** bought a new car.

6. **ever-never** : هر دو به مفهوم هرگز - اصلاً - ابدأ - تا کنون - قبل از p.p قرار می گیرند با این تفاوت که

ever در جملات سؤالی و منفی اما never در جملات مثبت به کار رفته و مفهوم آنها را منفی می کند.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



مثال : آیا تا کنون به انگلستان رفته ای ؟ نه هرگز به آنجا نرفته ام.

Have you **ever** been to England ?

No, I haven't **ever** been to England.

No, I have **never** been to England.

7. هر گاه مجموعه تا حالا به طور تنها به کار رفته باشد آن را به یکی از عبارات زیر ترجمه نموده و در آخر ماضی

نقلی به کار می بریم.

So far

by now

up to now

up till now

up to the present time.

I have reviewed this lesson twice **so far**.

8. **already** : قبل از p.p و یا آخر جمله به کار رفته و دلالت بر عملی می کند که قبل از انتظار و خواست ما

انجام شده است.

مثال : ما دیر رسیدیم زنگ خورده است.

We are late , the bell has **already** gone/ rung.

9. **just** : به مفهوم همین الان – چند لحظه پیش – الساعه – قبل از p.p به کار می رود.

مثال :

من همین الان کارم را به اتمام رساندم.

I have **just** finished my work.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

10. **yet**: به مفهوم « یا نه » آخر جملات سؤالی و به مفهوم هنوز آخر جملات منفی به شرط آنکه فعل کمکی و

not مخفف شده باشد و اگر مخفف نشده بود بعد از not به کار می رود.

مثال:

آیا تو به آنها اطلاع داده ای یا نه ؟

Have you notified them **yet** ?

نه من هنوز به آنها اطلاع نداده‌ام.

No, I haven't notified them **yet**.

No, I have not **yet** notified them.

11. **yet**: به معنای فعلاً- حالا نه - در آخر امر منفی به کار می رود مثال:

don't do that **yet**.

فعلاً اون کارو نکن.

don't tell them anything **yet**.

فعلاً چیزی به آنها نگو.

12. **still**: به مفهوم هنوز - هنوز هم - باز هم - باز هم در جملات ساده مثبت و سؤالی قبل از فعل اصلی و بعد

از افعال کمکی به کار رفته و دلالت بر عملی می نماید که از گذشته شروع شده و هنوز هم ادامه دارد.

نکته: در جملات منفی **still** به **anymore/ any longer** تبدیل شده و در آخر جمله قرار می گیرد.

مثال:

I used to study English.

Do you **still** study English.

No , I don't study English **anymore/any longer**.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

## « ماضی بعید » ( گذشته کامل )

تعریف: هر عملی که قبل از یک گذشته ای اتفاق افتاده باشد گذشته دور و یا ماضی بعید می گویند.

علامت این زبان در فارسی :

A: طول مدت زمان با کلمه « بود » همراه جملات گذشته ساده علامتی از این زمان در فارسی می باشد در این حالت کلمه « بود » به انگلیسی ترجمه نشده و قبل از طول مدت زمان **for** به کار می بریم که به فارسی ترجمه نمی گردد.

: A

طول مدت زمان + « بود » + گذشته ساده ← گذشته کامل	در فارسی
--	----------

طول مدت زمان + <b>For</b> + گذشته کامل	در انگلیسی
--	------------

مثال 1: دو سال بود او را می شناختم.

I had known him for two years.

مثال 2: وقتی او را بردیم دکتر سه روز بود چیزی نمی خورد.

He hadn't eaten anything for three days when we took him to the doctor.

B: وجود ( بودم - بودی - بود - بودیم - بودید - بودند ) بعد از اسم مفعول فعل فارسی ، علامت دیگر این زمان است.

مثال 1: او گفت که قبلاً به شما اطلاع داده بود.

He said ( that ) he had notified you before.

مثال 2: فکر کردم که تو همه چیزها را فهمیده بودی.

I thought ( that ) you had understood every thing.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

طرز ساخت: برای ساختن این زمان در انگلیسی از فرمول زیر استفاده می شود.

فرمول کلی:

### Subject + had + past participle

نشانه های این زمان:

گذشته ساده + **when/before** + گذشته کامل

I had gone **when/ before** you came in . من رفته بودم وقتی که تو آمدی تو.

گذشته کامل + **after** + گذشته ساده

I come in **after** you had gone. من آمدم تو بعد از آنکه تو رفته بودی .

گذشته کامل + **since** + گذشته کامل

You had gone **since** I had arrived. از وقتی که من رسیده بودم تو رفته بودی.

از وقتی که رفوزه شده بودم امتحانی هم نداده بودم.

I had taken no examination since I had failed.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly